

به نام خدا و با سلام خدمت جناب مولانا، آقای شهبازی و همهٔ دوستان.

«بخش دوم غزل برنامه ۹۴۰ گنج حضور»

در نقش بنی آدم تو شیر خدایی
پیداست درین حمله و چالیش و دلیری
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۶۲۷

-چالیش: زد و خورد، جنگ و جدال

انسان زنده به زندگی شجاعت دارد در شناسایی و انداختن هر چیزی که به آن چسبیده و یا می‌خواهد بچسبد و یا چیزهایی که از جنس عشق و خدا نیست مثل درد و انقباض، حسرت، قضاوت، خشم، حس تنهایی، ناشکری و حس نقص. پس انسان تسلیم به خدا و انسانی که نمی‌ترسد را از شجاعتش برای انداختن همانیدگی‌ها می‌توان شناخت، از روی تعهد و مداومت و تکرار برای عدم کردن مرکز و باز شدن، در این مسیر است که شادی بی‌سبب و زندگی حقیقی نمایان می‌شود و آن وقت است که دیگر گدایی ما انداخته شده و برای خود کافی هستیم و این کافی بودن به جهان هم ریخته می‌شود.

تا فضل و مقامات و کرامات تو دیدم
بیزارم ازین فضل و مقامات حریری
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۶۲۷

ارزش‌ها و مقام‌ها و خودنمایی‌های آفل این جهانی کجا و زنده بودن به بی‌نهایت زندگی و شادی بی‌سبب و سبک‌بالی کجا؟ درست است که خیلی مواقع با این که متوجه شدیم که مقامات و لذت‌های این جهانی گذرا و خشک‌کننده هستند، اما به وسیلهٔ فکر می‌خواهیم مرور و مقایسه‌ای کنیم و مقامات و لذات را با زنده بودن به خدا مقایسه کنیم که اگر این را متوجه باشیم با کمی درد هشیارانه این مرحله را رد می‌کنیم و با صبر و شکر و رضایت و توکل صد صد تبدیل به سکون و سکوت و آرامش و عمقی خداگونه می‌شویم که با هیچ شادی گذرا و مقام و شهرت و شهوت و ولعی قابل مقایسه نیست.

بیگانه شد این عمر، ولیکن چو تو هستی
در نور خدایی چه به گاهی و چه دبری
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۶۲۷

-به‌گاه: چیزی که به هنگام خود برسد

شاید فردایی نباشد و شاید فرصتی برای بعد نباشد، بنابراین برای زنده شدن به زندگی و شناسایی کردن غیر زندگی و غیر عشق و شناسایی زندگی تقلبی همین حالا قدم برداریم. برای تغییر از من‌ذهنی و تقلبی به اصل اول و خداگونه و ارتعاش نیک و سالم بودن در جهان می‌توان قدمی با تعهد محکم برداشت و این قدم‌ها در همین لحظه است، نه فردایی که شاید نیاید.

پس این مسیر را با تعهد محکم و دردهای هشیارانه برویم و به عهد الست وفا کنیم و در دام لذات و شهوات این جهان گرفتار نباشیم و کار را تمام کنیم و با تمام قوا. فریب ظاهر امور را نخوریم، فریب کسی نبودن و فریب تنهایی، فریب نواقص، فریب فقر، فریب ملیت، فریب هر نوع جبر و خلاصه فریب هیچ مانع و مسئله‌ای و به قول خود مولانا یک زمان کار است و از یک همانیدگی به دیگری نرویم و هر کدام از همانیدگی‌ها که هجوم آورد آن را شناسایی و نادیده می‌گیریم و با فکر آن را دنبال نمی‌کنیم تا از بی‌غذایی خشک شود و از ما جدا شود.

اندازهٔ معشوق بود عزت عاشق
ای عاشق بیچاره ببین تا ز چه تبری
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۶۲۷

حد و اندازه ما، بزرگی و کوچکی و جنس ما به اندازهٔ چیزی است که در مرکز ماست، حال اگر ولع و طمع و شهوت و اجسام و دیگران را می‌پرستیم به اندازهٔ آن‌ها هستیم و اگر زندگی و خدای بی‌نهایت و سکون و سکوت و شادی بی‌سبب و فراوان‌اندیشی در مرکز است همان اندازه هستیم، حال ببینیم برای پول، شهوت، ظاهر، دیگری، ولع، شهوت می‌میریم و عصبانی هستیم یا این‌ها برای ما پیش‌پاافتاده شدند و زندگی اصیل و مرکز خالی و عدم و عمیق و شادی بی‌سبب مهم است.

زیبایی پروانه به اندازهٔ شمع است
آخر نه که پروانهٔ این شمع منبری؟
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۶۲۷

پس خوشا به حال کسانی که متوجه می‌شوند دور غیر خدا گشتن و زندگی را از چیزها و دیگران گدایی کردن، وقت تلف کردن و تلف شدن است و با پرهیز و درد هشیارانه با رضایت و شکر و صبر، تبدیل به زندگی بی‌نهایت و شادی بی‌سبب و اصل خود می‌شوند .

شمس‌الحق تبریز، از آنت نتوان دید
که اصل بصر باشی، یا عین بصیری
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۶۲۷

طلوع بی‌نهایت زندگی از درون ما با چشم ظاهر دیدنی نیست و با من‌ذهنی دیده نمی‌شود، توانایی دیدن اصل اول با دید خداگونه و بدون قضاوت و بدون بد و خوب کردن میسر می‌شود.

یکی از دلایل کم آوردن ما در وسط راه پافشاری و عجله من‌ذهنی برای زنده شدن است و در این مواقع با شناسایی و عدم مقاومت و درد هشیارانه این موانع را پشت‌سر می‌گذاریم و دید ذهنی و طمع و حرص را شناسایی می‌کنیم و صفر می‌شویم و نکته دیگر هم خودنمایی و معنوی‌نمایی را شناسایی کنیم و نفس دیده شدن و توجه‌طلبی را شناسایی کنیم و توقع توجه دیگران و تحمیل دانش معنوی به دیگران را بیندازیم و از ذهن کاملاً بیرون بیاییم .

بعد از این‌ها وقتی واقعاً مرکز عدم شد و بیرون از ذهن و خواسته‌ها و حسرت‌ها باشیم، تمام این خواسته‌ها خاموش می‌شوند و عمق و آرامش و کافی بودن و شادی بی‌سبب می‌ماند.
با سپاس فراوان از همه:
علی از تهران